



تحلیل زیبایی شناسانه عکس های نصرالله کسرائیان بر اساس دو مولفه نور و رنگ در آراء ابن هیثم^۱

حمیدرضا اسماعیل^۲، هادی آذری ازغندی^۳، مرجانه سوزنکار^۴

نوع مقاله: پژوهشی

دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۱۳ □ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۱۶ □ صفحه ۱۵۹-۱۷۱

Doi: 10.22034/RPH.2025.2054906.1116

چکیده

ابن هیثم فیلسوف، دانشمند و نظریه پرداز ایرانی و مسلمان که در قرن چهارم و پنجم هجری می زیسته است، در کتاب المناظر در مورد فیزیک نور و زیبایی شناسی مطالب مفصلی را بیان کرده است، به باور وی وجود ۲۲ عامل باعث می شود که چشم انسان، از آنچه می بیند، درک زیبایی داشته باشد. با عنایت به این موضوع که مبحث زیبایی شناسی را در همه شاخه های هنرهای تجسمی از جمله عکاسی می توان به کار برد، این پژوهش بر آن است تا ارتباطی بین نظریه زیبایی شناسی ابن هیثم و عکاسی پیدا کند. برای بررسی این هدف، تعدادی از شاخص ترین عکس های منتشر شده در کتاب های عکس نصرالله کسرائیان، که یکی از وجوه بارز عکس های او بی تردید زیبایی آنهاست، در نظر گرفته شده است. نصرالله کسرائیان بیش از ۵۰ سال از عمر خود را صرف عکاسی قوم نگارانه، طبیعت و بوم شناسانه ایران کرده است و یکی از شناخته شده ترین چهره های عرصه عکاسی ایران به شمار می آید. پرسش اصلی این پژوهش آن است که عکس های نصرالله کسرائیان چگونه بر اساس نظریه ابن هیثم، در چشم مخاطب ادراک زیبایی ایجاد می کنند. یافته های این پژوهش، که از نوع کیفی و به روش توصیفی-تحلیلی صورت گرفته است، بیانگر آن است که عوامل بیست و دوگانه زیبایی شناسی که ابن هیثم بر می شمارد را می توان با ویژگی ها، ساختارها، قوانین و اصول عکاسی که شاخه ای از هنرهای تجسمی است انطباق کامل داد و در تحلیل عکس ها از آنها استفاده کرد. همچنین با استفاده از دو مولفه نور و رنگ از عوامل جزئی بیست و دوگانه نظریه زیبایی شناسی ابن هیثم، عکس های نصرالله کسرائیان را مورد تحلیل قرار داده است.

کلیدواژه ها: زیبایی شناسی، ابن هیثم، نصرالله کسرائیان، المناظر، نور، رنگ

۱. این مقاله مستخرج از پایان نامه با عنوان تحلیل زیبایی شناسی آثار نصرالله کسرائیان بر اساس اندیشه های ابن هیثم می باشد که در بهمن ۱۴۰۲ در دانشگاه بین المللی سوره دفاع شد.

۲. کارشناسی ارشد عکاسی، دانشکده هنر، دانشگاه بین المللی سوره، تهران، ایران.

Email: hamidreza.esmail63@gmail.com

۳. استادیار گروه هنرهای تصویری، دانشکده هنرهای تجسمی، دانشکده های زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

Email: hadiazari@ut.ac.ir

۴. دکتری فلسفه هنر، دانشگاه علوم تحقیقات و فناوری، دانشگاه آزاد، تهران، ایران.

Email: M.souzankar@soore.ac.ir



مقدمه

هرگونه بحث قابل پذیرش و علمی در مورد زیبایی تعبیر به زیبایی‌شناسی می‌شود. بحث‌هایی همچون «ماهیت و چیستی زیبایی»، «چگونگی و چرایی درک زیبایی»، و «تحلیل وجوه زیبایی یک موجود خاص». با توجه به این موضوع که در حوزه تحلیل‌های زیبایی‌شناختی در هنر و به‌ویژه در عکاسی به آرا و نظریات دانشمندان و فلاسفه غربی به‌کرات ارجاع داده می‌شود و کمتر شاهد بهره‌مندی از نظریات و آرای دانشمندان ایرانی و مسلمان هستیم؛ این در حالی است که ابن‌هشیم صاحب آراء قابل اعتنایی در خصوص مقوله زیبایی است. او در زمینه نورشناسی مقالات و نظریات زیادی دارد و کتاب المناظر بزرگترین اثر وی است که به معنا و مفهوم زیبایی می‌پردازد. از دیدگاه ابن‌هشیم حس بینایی تنها گزارشی از نور و رنگ ارائه می‌کند و در این مرحله حواس باطنی ما نقش تکمیل‌کننده فرایند بینایی را دارد که با استفاده از داده‌های نور و رنگ مفاهیم بسیار دیگری را درک می‌کند. یکی از این معانی که در این مرحله توسط حواس باطنی درک می‌شود حس زیبایی است. وی در شرح این ادراک که توسط حس بینایی درک می‌شود از ۲۲ عامل نام می‌برد که هرکدام از این عوامل در کیفیت ادراک بینایی مؤثر هستند. این عوامل بیست‌ودوگانه عبارتند از «نور»، «رنگ»، «بعد»، «وضع»، «تجسم»، «شکل»، «عظم»، «اتصال»، «تفرق»، «عدد»، «حرکت»، «سکون»، «زبری»، «مالسه»، «شفیف»، «کدری»، «ضل»، «تاریکی»، «تشابه»، «اختلاف»، «تناسب»، «اثتلاف». او به تفسیر هریک از عوامل می‌پردازد و اعتقاد دارد که این عوامل بیست‌ودوگانه به صورت تکی و یا به صورت ترکیبی از موارد ذکر شده در بیننده احساس زیبایی را برمی‌انگیزد. از آنجا که عکاسی زیرمجموعه هنرهای تجسمی است و با عنایت به این موضوع که تنها در چند مورد محدود نظریات زیبایی‌شناسانه ابن‌هشیم در رشته نقاشی مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است و در رشته عکاسی تاکنون به صورت مبسوط به آن پرداخته نشده است ضرورت این پژوهش احساس می‌شود. برای تحلیل این موضوع در زمینه عکاسی، عکس‌های نصرالله کسرائیان که به نظر با نظریه زیبایی‌شناسی ابن‌هشیم قابل انطباق دارند، انتخاب شده است. نصرالله کسرائیان در بیش از ۵۰ سال فعالیت عکاسانه خود نزدیک به ۳۰ عنوان کتاب منتشر کرده است، او که زندگی و عکس را مبارزه‌ای برای تغییر جهان می‌داند، تأثیر عمیقی در عکاسی ایران معاصر داشته است. این پژوهش در نظر دارد به این پرسش اساسی پاسخ دهد که چگونه می‌توان عکس‌های نصرالله کسرائیان را بر اساس نظریه زیبایی‌شناسی ابن‌هشیم تحلیل کرد؟ همچنین می‌خواهد به این پرسش نیز پاسخ دهد که با عنایت به این مطلب که عکاسی هنری نوین است چگونه می‌توان به رغم گذشت بیش از ۸۰۰ سال از

زمان مطرح شدن نظریه ابن‌هشیم، امروزه این نظریه را در عکاسی به کار گرفت؟ از آنجا که نظریات فلاسفه ایرانی و مسلمان از لحاظ محتوایی بسیار غنی‌اند و می‌توان برای تحلیل هنرهای تجسمی از آنها بهره جست، امید است که این پژوهش راه را برای استفاده‌های بعدی از نظریات نظریه‌پردازان ایرانی-مسلمان هموار سازد.

روش تحقیق

این پژوهش از حیث روش، توصیفی-تحلیلی بوده و از لحاظ هدف در زمره پژوهش‌های نظری-توسعه‌ای قرار می‌گیرد. همچنین شیوه جمع‌آوری اطلاعات، کتابخانه‌ای بوده است. در این پژوهش زیبایی‌شناسی از منظر فلاسفه یونان باستان و در ادامه از منظر نظریه پردازان ایرانی بررسی شده است. بر اساس اصول مطرح شده توسط ابن‌هشیم، برای آنکه ذهن درک درستی از معنا و مفهوم زیبایی داشته باشد و زیبایی را در چیزی که می‌بیند تشخیص دهد، ۲۲ عامل را برمی‌شمارد و معتقد است که اگر یکی یا چند عامل از این عوامل بیست‌ودوگانه در آنچه چشم می‌بیند وجود داشته باشد آنگاه ذهن آن را زیبا می‌داند. برای تفسیر عکس‌ها بر اساس این عوامل بیست‌ودوگانه، برای هر مورد قواعد، اصول و مصداقی در دنیای عکاسی پیدا شده است و بر اساس این اصول مطرح شده، عکس‌های منتخب نصرالله کسرائیان تحلیل شده است.

پیشینه تحقیق

شبان داریانی (۱۳۹۷) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «تحلیل زیبایی در کتاب المناظر ابن‌هشیم» به معرفت‌شناسی ابن‌هشیم می‌پردازد و آن را از سه منظر معناشناختی، وجودشناختی و معرفت‌شناسی بررسی می‌کند و به این نتیجه رسیده است که زیبایی از دیدگاه ابن‌هشیم یک امر عینی و در صورت اجسام نهفته است.

کشمیری (۱۳۹۷) در رساله دکتری خود با عنوان «شیوه‌های دیدن و ادراک بصری در نگارگری ایرانی و علم مناظر ابن‌هشیم» بیان می‌دارد که نگارگران ایرانی برای بازنمایی صحنه‌ها از اصولی پیروی کرده‌اند که بیانگر شیوه خاصی از دیدن و ادراک بصری است. و به این نتیجه رسیده است که با استفاده از دانش نورشناسی و علم المناظر می‌توان به درکی بهتر در چهارچوب هنری دوره مورد بررسی رسید.

دلفانی (۱۳۹۸) در رساله دکتری خود با عنوان «مقایسه قواعد حاکم بر طراحی در نگارگری ایرانی-اسلامی با نظریه ابصار ابن‌هشیم» به مقایسه قواعد بصری حاکم بر طراحی در نگارگری ایرانی اسلامی با نظریه ابصار ابن‌هشیم می‌پردازد و به این نتیجه رسیده است که با توجه به نظریه ادراک ابن‌هشیم و متناظر

دارد و برای هر کسی متفاوت از نفر دیگر است.

ریشه واژه زیبایی شناسی یا همان استتیک^۱ به کلمه آستتیس^۲ که در زبان یونانی به معنی ادراک، احساس و حساسیت است بازمی‌گردد، یعنی آنچه به وسیله حواس ادراک می‌شود و پیش از هر چیز ریشه زبان شناختی زیبایی شناسی بر امر محسوس دلالت می‌کند (داندیس، ۱۳۸۸: ۲). واژه استتیک را برای نخستین بار در نیمه اول قرن هجدهم الکساندر گوتلیب بومگارتن^۳ در کتابی با همین عنوان به کار برد و در کتابش نسبتی میان آگاهی زیبایی شناسانه آدمی و ادراک حسی او از زیبایی قائل شد (سوانه، ۱۴۰۱: ۱۷).

تعریفی که امانوئل کانت از زیبایی شناسی ارائه کرده است اینگونه است «زیبا آن است که لذتی بیافریند رها از بهره و سود، بی مفهوم، عام و همگانی که همانند غایت بی پایانی بی هدف باشد» (تولستوی، ۱۳۸۷: ۳۱).

افلاطون درباره زیبایی در موارد متعددی در آثارش بحث کرده است و طبق نظر وی همه اشیای مخلوق به یک معنا تقلیدی از اصل جاویدان شان در عالمی دیگر (مُثُل) هستند، بنا به تعریفی که افلاطون از هنر ارائه می‌دهد «هنر تقلیدی است از واقعیت، اما واقعیت خود تقلیدی است از ایده. کسی که یک کوزه می‌سازد، چیزی ساخته که تقلید از ایده کوزه است. اما کسی که تصویر این کوزه را ترسیم می‌کند، در واقع تقلیدی از تقلید کرده، و به این معنا دو بار از حقیقت کوزه که همان ایده آن است دور افتاده است» (احمدی، ۱۳۸۶: ۶۰).

ارسطو سه عنصر نظم، تقارن و تعین را عناصر اصلی زیبایی برمی‌شمارد، وی نمی‌خواهد در اینجا زیبایی را تعریف کند بلکه یکی از مهم‌ترین شرط‌های آن را توضیح می‌دهد. ارسطو زیبایی را اندازه، نظم، تناسب، هماهنگی و تقارن از یک سو و مفید بودن و درخور بودن از سوی دیگر می‌داند (احمدی، ۱۳۸۶: ۹۷).

زیبایی شناسی فلسفه اسلامی بیشتر از فلوپتین متأثر است و از این جهت نظریات وی از این جهت حائز اهمیت است. فلوپتین پس از تشریح نظریات رایج و پذیرفته شده معاصران و پیشینیان خود در مورد زیبایی، به مخالفت با آن می‌پردازد. فلوپتین بعد از رد کردن نظریه تناسب، در مورد زیبایی شناسی نظریه‌ای جدید ارائه می‌دهد و بیان می‌کند که «زیبایی یعنی بهره‌مندی اشیا و امور از عالم مثال، عالم عقل و کلا از وجودهای متعالی و مبادی عالیه» (هاشم‌نژاد، ۱۳۹۷: ۴۳). فلوپتین زیبایی نفس را در تشابه آن به خداوند می‌داند و به نظر او خداوند زیبایی محض و مطلق است و روح اعلا زیبایی را بی واسطه از خداوند کسب می‌کند، نفس انسان هم زیبایی را از روح می‌گیرد و زیبایی محسوس در اشیا بهره‌ای است از عالم مثال و عقل (هاشم‌نژاد، ۱۳۹۷: ۴۵).

با جهان بینی مسلمانان در سنت نگارگری ایرانی، کمتر میتوان از مکانی خاص و به تبع آن فردیت نقاش در قالب پرسپکتیو خطی آنگونه که در نقاشی دوره رنسانس مشاهده می‌شود سخن به میان آورد.

پورذبیح (۱۳۹۹) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «زیبایی شناسی آثار و نسان ونگوگ با رویکرد به نظریه ادراک زیبایی ابن هیثم» به این نتیجه رسیده است که بنا بر مفروضاتی که در نظریه ادراک زیبایی شناسی ابن هیثم وجود دارد این نظریه، کیفیات و ساختار بصری لازم در خوانش اثر هنری را مورد توجه قرار می‌دهد و می‌تواند به مثابه الگویی برای تحلیل و خوانش آثار هنری پذیرفته شود.

صحتی (۱۴۰۲) در مقاله خود با عنوان «تطبیق نظریه زیبایی شناسی نور از منظر ابن هیثم با اصول زیبایی شناسی عکاسی مدرن» زیبایی شناسی را ساختاری در عکاسی مبتنی بر عناصر و کیفیات بصری می‌داند که به واسطه دوربین ثبت می‌شود است و به این نتیجه رسیده است که اصول و عوامل بیست و دوگانه نظریه زیبایی شناسی ابن هیثم با ویژگی‌های عکاسی مدرن مطابقت کامل دارد و می‌توان آنها را استفاده کرد.

زیبایی شناسی از منظر ابن هیثم

بشر ذاتاً زیبایی را دوست دارد و فلاسفه، اندیشمندان و نظریه پردازان بسیاری در طول تاریخ در مورد زیبایی صحبت و سعی کرده‌اند برای آن تعریفی مشخص و چهارچوبی قابل شناسایی ارائه دهند. در این میان نظریه پردازان و اندیشمندان مسلمان هم سهمی داشته‌اند (هاشم‌نژاد، ۱۳۹۷: ۱۱). یکی از این دانشمندان ابن هیثم است که با نظریه ابصار و مطرح کردن عوامل جزئی بیست و دوگانه معیاری برای شناسایی زیبایی مطرح کرده است. او معتقد است که هر چیزی که چشم انسان می‌بیند شامل دو مرحله حس بینایی و ادراک بینایی است در مرحله اول چشم با استفاده از عوامل رنگ و نور شی را می‌بیند و پدیده دیدن اتفاق می‌افتد، در مرحله دوم اگر چیزی که چشم انسان آن را دیده است یک یا چند عامل از عوامل جزئی بیست و دوگانه را داشته باشد آنگاه ذهن درک زیبایی از آن چیز خواهد داشت.

قبل از هر چیز باید به این نکته دقت کنیم تصور، برداشت و تعاریف امروزه ما از واژه زیبایی شناسی، در نتیجه معانی و تعاریف بسیاری است که فیلسوفان و نظریه پردازان برای آن تعریف کرده‌اند و بحث در مورد معانی و تعاریف و چهارچوب‌های زیبایی شناسی در زمانه ما نیز همچنان ادامه دارد. زیبایی شناسی تعاریف بسیاری دارد، اما این تعاریف حداقل در یک نقطه به نام تجربه مشترک‌اند، تجربه احساس زیباشناختی. تجربه زیباشناختی در این حالت منحصر به فرد و بی هم‌تاست، همچنین این تجربه درجات مختلفی

زیبایی در آراء فلاسفه ایرانی

از آنجا که فلاسفه اسلامی کتاب مستقلی در مورد زیبایی‌شناسی تألیف نکردند، اما مطالب عمیق و ژرفی درباره زیبایی و هنر در لابه‌لای متون فلسفی آنها آمده است، این پژوهش به اختصار به تعاریف زیبایی‌شناسی در آثار فارابی، ابن‌سینا، شیخ اشراق (سهروردی)، صدر المتألهین (ملاصدرا) می‌پردازد و در ادامه نظریه زیبایی‌شناسی ابن‌هیثم را بررسی می‌کند.

فارابی در مبحث زیبایی‌شناسی، زیبایی مطلق را حق تعالی می‌داند، نظریات وی را که نقطه شروع زیبایی‌شناسی فلاسفه اسلامی است از سه جهت دارای اهمیت است. نخست آنکه بیشتر مطالبی که او در مورد زیبایی عنوان می‌کند بدیع است و در آثار افلاطون، ارسطو و فلوپتین دیده نمی‌شود و فیلسوفان بعد از وی از جمله ابن‌سینا و ملاصدرا وام‌دار او هستند. دومین دلیل آن است که فارابی به مسائل زیبایی‌شناختی در سطحی بسیار گسترده پرداخته است. سومین دلیل که اهمیت بالایی نیز دارد آن است که در آن قسمت‌هایی که مطالب او اقتباس از فلاسفه یونانی است، او آنها را چشم‌پسته تقلید و نقل نکرده است و به تدوین و تبیین فیلسوفانه آنها همراه با نقد و گزینش پرداخته است (هاشم‌نژاد، ۱۳۹۷: ۳۳). فارابی زیبایی را اینگونه تعریف می‌کند که زیبایی مطلق حق تعالی است، بنابراین برای هر نوع از انواع مخلوقات، هم کمال جزئی و هم کمال کامل متصور است، طبق تعریف فارابی مصادیقی که این کمالات جزئی را دارند زیبا نامیده می‌شوند و مصادیقی که کمالات کامل را دارند زیباترین مصادیق آن نوع به حساب می‌آیند (هاشم‌نژاد، ۱۳۹۷: ۴۷).

ابن‌سینا زیبایی را مشتمل بر نظم، اعتدال و ترکیب‌بندی می‌داند و بر این باور بود که در نفس حیوانی، عشق به زیبایی غریزی است، در حالی که در نفس انسان عشق به زیبایی حکمی عقلانی است و در نهایت بر درک قرب به معشوق استوار است. او زیبایی را به دو قسمت عام و خاص تقسیم‌بندی کرده است و برای هر کدام به‌طور کامل تعارف و مصداق آورده است و اما تعریف عام او از زیبایی این ویژگی را دارد که شامل همه موجودات اعم از مادی و معنوی می‌شود، اما تعریف خاص او از زیبایی فقط شامل زیبایی‌های مادی و فقط زیبایی‌های محسوس را شامل می‌شود. (شیرازی، ۱۳۸۰: ۴۶-۴۹).

در آثار سهروردی تعریف خاصی از زیبایی ارائه نشده است. اما درباره منشأ و هستی‌شناسی زیبایی مطالبی آورده است، طبق دیدگاه وی زیبایی اول و عشق نخستین همزاد هم هستند و او همه مخلوقات عالم را طالب جمال و کمال می‌داند. او یکی از آثار وجود زیبایی را احساس لذت می‌داند و لذت‌بخشی را یکی از ارکان اصلی تعریف زیبایی قلمداد می‌کند. (هاشم‌نژاد، ۱۳۹۷: ۱۱۴-۱۳۵).

با توجه به این موضوع که ملاصدرا درباره بسیاری از نظریات و اندیشه‌های فلسفی قبل از خودش نقد و نظر دارد و در پاره‌ای از موارد با آنها کاملاً مخالف است، اما اینگونه به نظر می‌آید که در مورد بحث زیبایی و تعریف آن با نظرات فلاسفه اسلامی قبل از خودش مخصوصاً فارابی و ابن‌سینا مخالفتی ندارد و علاوه بر اینکه آنها را پذیرفته در جهت تکمیل بحث، مواردی همچون تناسب، تقارن، اعتدال و خوشایندی را به آنها اضافه کرده است. همچنین در مورد امر زیبا در آثار وی بیان کوتاهی آمده است، او هر چیزی که کمالات شایسته و بایسته خود را داشته باشد مورد تحسین و ستایش قرار می‌دهد، همچنین او به مفاهیمی از جمله: زشت، زنده و ملال‌انگیز به عنوان مفاهیم منفی زیباشناختی پرداخته است (هاشم‌نژاد، ۱۳۹۷: ۱۳۹-۱۴۷).

ابوعلی حسن بن هیثم^۴ بیش از ۳۰ رساله و مقاله در موضوعات مختلف از جمله نجوم، الهیات، ریاضیات، فیزیک و به‌ویژه نورشناسی (کتاب المناظر) نگاشته است. کتاب المناظر مشتمل بر هفت مقاله و هر مقاله دارای چند فصل است. در مقاله دوم کتاب او به تشریح چگونگی و عواملی می‌پردازد که توسط چشم انسان دیده و ادراک می‌شوند (بلخاری، ۱۳۹۸: ۳۷). از دیدگاه ابن‌هیثم، دیدن صرفاً ادراک رنگ و نور سوژه از طریق حس بینایی نیست، بلکه عوامل دیگری نیز در ادراک بینایی دخالت دارند که آنها توسط حس بینایی ادراک نمی‌گردند، بلکه توسط مقایسه و اندازه‌گیری در ذهن درک می‌شوند (طباطبایی، ۱۳۷۸: ۹۸).

به اعتقاد ابن‌هیثم بین احساس بینایی و ادراک بینایی تفاوتی وجود دارد. تعریف او از حس بینایی اینگونه است «چشم چون به اشیاء می‌نگرد معانی‌ای همچون رنگ و نور را در همان نگاه اول ادراک می‌کند. این ادراک، ادراک بصری یا همان احساس بینایی است». وی معتقد است علاوه بر احساس بینایی امری فراتر نیز وجود دارد که انسان آن را ادراک می‌کند. کیفیت این ادراک، درک جزئیاتی است که در جسم وجود دارند و پس از فرایند دیدن توسط چشم انسان، احساس بینایی توسط مغز تجزیه و تحلیل و ادراک می‌شوند. او فرایند دیدن را به سه سطح طبقه‌بندی می‌کند:

۱. ادراک به محض دیدن، که همان حس بینایی در لحظه است، چشم انسان به محض دیدن، یک سری ویژگی‌های اولیه را می‌بیند و ادراک اولیه از طریق دیدن شکل می‌گیرد؛
۲. ادراک از طریق بازشناسی، اگر شخص به موضوعاتی در تصویر مورد مشاهده خود برخورد کند که قبلاً با آن مواجه شده است و آنها را به یاد دارد، بی‌درنگ از راه شناخت قبلی و به کمک نشانه‌هایی که در تصویر وجود دارد آنها را ادراک می‌کند؛
۳. ادراک از طریق استدلال، در این قسمت ذهن وارد مرحله جدیدی می‌شود که در آن ذهن به واریسی این تصویر می‌پردازد

را در انسان برانگیزد. به عبارت دیگر او بر این باور است که اشیای نورانی زاینده زیبایی هستند. همانطور که می‌دانیم در زبان لاتین ریشه کلمه عکاسی^۵ از دو کلمه فوتون و گرافی تشکیل شده است که اولی به معنای نور و دومی به معنای ثبت آن است یا به عبارت دقیق‌تر عکاسی همان نورنگاری است. کمیت و کیفیت نور است که در عکاسی بسیار بحث برانگیز و قابل توجه است. نکته‌ای که باید در اینجا به آن دقت کنیم این است که مقصود ابن‌هیثم از زیبا در عوامل جزئیة نور، خود عامل نور است و مثالی که وی در این باره بیان می‌کند خورشید، ماه و ستارگان هستند یعنی منابع نور طبیعی که بر اساس و الهام از آنها منابع نور مصنوعی و استودیویی ساخته شده‌اند. بر این اساس می‌توان عکس‌هایی از ماه و خورشید در حالت‌های مختلف از جمله ماه‌گرفتگی و خورشیدگرفتگی، ستارگان، سیارات و اجرام آسمانی ثبت شده از طریق تلسکوپ، لنزهای سوپر تله را تحلیل زیبایی‌شناسانه کرد چراکه آنها خود، منبع نور هستند و بر اساس نظر ابن‌هیثم نور یکی از ۲۲ عامل زیبایی‌آفرین است.

در عکاسی اصلی‌ترین و شاید مهم‌ترین عامل، نورپردازی سوژه است، خواه این نور طبیعی، خواه مصنوعی باشد و از طریق این نورپردازی است که می‌توان حالات مختلفی برای یک سوژه تعریف کرد، انتخاب نوع نور و نحوه تاباندن آن به سوژه می‌تواند احساسات مختلفی را در بیننده ایجاد کند و ویژگی‌های خاص هر سوژه را برجسته سازد به آن بُعد ببخشد و یا یک تصویر کاملاً دوبعدی و تخت ایجاد کند. گاهی اوقات تغییر نور معنای یک عکس را کاملاً عوض می‌کند و آن را به عکسی دیگر تبدیل می‌نماید که ممکن است این دو عکس از لحاظ بار معنایی با یکدیگر تفاوت بسیار زیادی داشته باشند. تمامی این نورپردازی‌ها توسط منابع نوری انجام می‌شوند و به واسطه این نورپردازی است که می‌توان در عکس حس زیبایی را ایجاد کرد. این نور ممکن است گاه بر فرم سوژه تأکید داشته باشد مانند عکاسی ضد نور (سیلونت) و عکاسی زهوار و گاهی بر ویژگی‌های ظاهری سوژه تأکید کند مانند عکاسی از کوه یا کویر، به واسطه این نور می‌توان قسمت‌های مختلف آن را به خوبی نشان داد و بر فراز و فرود آن تأکید بیشتری کرد. یا در عکاسی صنعتی و استودیویی می‌توان با استفاده از نور بافت و جنس محصول را به خوبی نشان داد. نقش نور در عکاسی کاملاً تعیین‌کننده است. باید به این نکته دقت کنیم که نورپردازی صحیح نه تنها به نمایش جزئیات کمک می‌کند، بلکه می‌تواند بر ترکیب‌بندی، عمق و اثرگذاری تصویر بی‌افزاید. یکی از موارد کلیدی در نورپردازی، تفاوت میان نور سخت و نرم است که انتخاب هر کدام بستگی به سبک عکاسی و تأثیری که عکاس می‌خواهد در تصویر داشته باشد، دارد. عکاس با استفاده از ویژگی‌های نور سخت که سایه‌ها تیز و مشخص است،

و مفاهیمی چون نقشه و طرح، ترتیب، ناهمسانی و همه مفاهیم موجود در آن تصویر را که ادراکشان از طریق حس و بازشناخت میسر نیست، را ادراک می‌کند (بلخاری، ۱۳۹۸: ۴۸).

ابن‌هیثم هشت شرط را برای ادراکات بصری برمی‌شمارد و معتقد است که بدون آنها ادراک بصری حاصل نمی‌شود. این هشت شرط عبارتند از ۱. سلامت چشم، ۲. وجود نور، ۳. وجود فاصله به اندازه میان چشم و شیء مرئی، ۴. قرارگیری شیء مرئی در میدان دید چشم، ۵. کدر نبودن میان محیط واسطه بین چشم و شیء مرئی، ۶. شفاف نبودن کامل شیء مرئی، ۷. به اندازه بودن شیء مرئی، ۸. درنگ و توجه کافی برای شیء مرئی (طباطبایی، ۱۳۹۷: ۲۰۰).

هشت شرطی که مطرح شد را ابن‌هیثم لازمه و مقدمه ورود به بحث اصلی زیبایی‌شناسی می‌داند، نیز باید به این نکته توجه کنیم که عقیده نهایی و دیدگاه ابن‌هیثم در مورد زیبایی همان نظریه رایج و مشهور در جهان اسلام در آن دوره است، یعنی حضور تناسب در سوژه‌هایی که چشم می‌بیند. اما تفاوت تعریف ابن‌هیثم با دیگر نظریه پردازان اسلامی در مورد زیبایی در این است که در درجه اول ابن‌هیثم زیبایی را در بستری تجربی و علمی می‌داند و آن را مورد تأمل و تحقیق قرار داده است، در درجه دوم وی نوع کارکرد ذهن در احساس و ادراک زیبایی را، با ظرافت و دقت خاصی مورد بررسی و توجه قرار می‌دهد و نکته مهمی که قبل از بررسی عوامل بیست و دوگانه باید مورد توجه قرار بگیرد این است که گاهی این عوامل به صورت انفرادی و گاهی به صورت چندتایی و ترکیبی با هم حس زیبایی را برمی‌انگیزند.

در این پژوهش تلاش می‌شود، با توجه به مطالب مطرح شده و با تکیه بر عوامل بیست و دوگانه نظریه زیبایی‌شناسی ابن‌هیثم، ابتدا تطبیقی بین این عوامل و ماهیت عکاسی پیدا شود و سپس تعدادی از عکس‌های شاخص نصرالله کسرائیان بر اساس دو مؤلفه نور و رنگ (از عوامل بیست و دوگانه) مورد بررسی قرار می‌گیرد. جامعه آماری این پژوهش کلیه عکس‌های به چاپ رسیده در کتاب‌های عکس کسرائیان است، با توجه به کثرت آثار منتشرشده وی، امکان بررسی تمام آنها در این پژوهش وجود ندارد لذا به عنوان نمونه تعداد ده عکس، در راستای پیشبرد و اهداف این پژوهش انتخاب شده است. ذکر این نکته ضروری به نظر می‌رسد که در عکس‌های مورد بررسی ممکن است عوامل جزئیة بیشتری از آنچه مطرح می‌شود قابل بررسی و تجزیه و تحلیل باشد. عوامل بیست و دوگانه عبارتند از:

۱. نور

ابن‌هیثم نور را به عنوان اولین عامل زیبایی معرفی می‌کند و معتقد است نور تنها عاملی است که می‌تواند به تنهایی احساس زیبایی

که عیب‌های سوژه با ایجاد فاصله دیده نمی‌شود و این فاصله زیبایی‌آفرین است. در عکاسی می‌توان چند فاصله تعریف کرد: اول فاصله عکاس تا سوژه، دوم فاصله کانونی لنز، سوم فاصله سوژه‌ها نسبت به یکدیگر.

۴. وضع

ابن‌هیثم وضع را اینگونه تعریف کرده است؛ قرار گرفتن مرتب اشیا در کنار یکدیگر. در عکاسی تعریف ریتم با تعریفی که ابن‌هیثم ارائه کرده است کاملاً منطبق است. نیز می‌توان برای آن وضعیت کادربندی را در نظر گرفت، اینکه عکاس با توجه به سوژه خود کادر عمودی یا افقی را انتخاب می‌کند، همچنین اینکه چه مواردی را در کادر خود بگنجانند و عکس خود را کادربندی و چیدمان کند.

۵. تجسم؛ منظور او از تجسم، تنومندی و برومندی اندام چه انسانی و چه حیوانی است. در عکاسی گاهی اوقات قسمتی از سوژه‌ای شناخته شده در کادر وجود دارد ولی کامل نیست، اما بیننده در ذهن خود قسمت‌هایی که موجود نیستند را تصویرسازی و تجسم می‌کند و آن تصویر را در قطعی بزرگتر و کامل‌تر در ذهن خود خوانش می‌کند. همچنین گاهی از سوژه‌ای عکاسی می‌کنیم و صلابت و قدرت آن سوژه را خواه انسانی باشد خواه حیوانی در عکس نشان می‌دهیم.

۶. شکل

عامل بعدی از نظر ابن‌هیثم شکل است او معتقد است که اشکال خاص زیبایی‌آفرین است. یکی از ویژگی‌های منحصر به فرد عکاسی نشان دادن جزئیات است، عکس‌هایی که از اشیا مختلف گرفته می‌شوند می‌توانند جزو مصادیق این مورد باشند. باید به این نکته دقت کنیم که با اختراع عکاسی و به لطف سرعت‌های مختلف شاتر امکان دیدن بسیاری از چیزهایی که قبل از آن امکان دیدن نداشت به وجود آمد مانند لحظه ترکیدن بادکنک و یا عکاسی از سوژه‌های بسیار کم نور که با چشم قابل رویت نیستند و فقط با نوردهی‌های طولانی قابل دیدن هستند مانند عکاسی از سحابی‌های آسمان. با ورود عکاسی اشکال و دیدنی‌های بسیار زیادی به جهان معرفی شدند که تا قبل از آن درک کامل و درستی از آنها وجود نداشت.

۷. عظم (بزرگی)

ابن‌هیثم معتقد است که بزرگی زیبایی‌آفرین است و مثالی که در این مورد بیان کرده است ماه است که آن را به واسطه بزرگی نسبت به سایر ستارگان آسمان شب دارای جلوه زیباتری می‌داند. در عکاسی بزرگی را می‌توان دوگونه تعریف کرد اول آنکه با استفاده از لنزهای مایکرو و میکروسکوپ اشیا بسیار ریز را بزرگ کرد و جزئیاتی که در حالت معمول قابل رویت نیستند را نشان داد. دوم به دلیل آنکه

می‌تواند کنتراست بالا ایجاد کند، بافت و جزئیات سطح سوژه را برجسته نماید، جوی خاص و دراماتیک به وجود آورد، بر خطوط و فرم‌ها تأکید کند و به دلیل ایجاد سایه‌های مشخص و کنتراست بالا عمق تصویر را افزایش دهد. در مقابل با استفاده از نور نرم و ایجاد سایه‌هایی ملایم و نرم و به دلیل پخش یکدست نور، عکاس می‌تواند به تصویر حس لطافت، نرمی و آرامش دهد.

۲. رنگ

تصور جهان بدون رنگ غیر ممکن است، چراکه رنگ پدیده‌ای است که در همه جا حضور دارد و نقشی مؤثر بازی می‌کند. انسان در طول حیات خود بر روی این کره خاکی با رنگ در ارتباط بوده و تأثیر آن را در زندگی روزمره خود احساس کرده است، همانطور که رنگ‌های پر زرق و برق او را آشفته می‌سازد و رنگ‌های ملایم و هماهنگ برایش خوشایند است. دومین عامل از عوامل بیست و دوگانه زیبایی رنگ است. از نظر ابن‌هیثم ترکیب رنگ‌های مختلف باهم و گاهی رنگ به تنهایی باعث ایجاد حس زیبایی و لذت بصری در انسان می‌شود. او رنگ را هم در اشیا می‌داند و معتقد است زندگی انسان است و هم در طبیعت دخیل می‌داند و معتقد است که یک‌رنگ بودن و یا رنگارنگ بودن حس زیبایی را در انسان برمی‌انگیزد.

رنگ یکی از مهم‌ترین و پرکاربردترین بخش‌های یک عکس است که نسبت به سایر عناصر عکاسی، تأثیر شگرف و متفاوتی بر روی احساسات و علائق مخاطبان خود می‌گذارد، با ورود رنگ به حوزه عکاسی، عکاسی وارد مرحله جدیدی شد که در آن علاوه بر کادربندی، عنصر رنگ نیز به عکس معنا می‌داد و گاهی اوقات رنگ معنا و مفهوم عکس را عوض می‌کرد تا جایی که بر اساس عنصر رنگ کادربندی جدیدی انجام می‌شد. رنگ‌ها در عکاسی یکی از مهم‌ترین ابزارها در جهت ابراز احساسات هستند، به‌طور کلی رنگ‌ها به دو دسته گرم شامل رنگ‌های قرمز، زرد و نارنجی و رنگ‌های سرد شامل رنگ‌های سبز، آبی و بنفش تقسیم می‌شوند. رنگ‌های گرم انرژی بیشتر و احساسات قوی‌تری را منتقل می‌کنند و خیلی سریع توجه بیننده را به سمت خود جلب می‌کنند. رنگ‌های سرد احساسات آرامش‌بخش و ملایم‌تری دارند و اصولاً در مقایسه با رنگ‌های گرم جذابیت بالایی ندارند. بر این اساس استفاده از رنگ‌های مکمل مانند سبز و قرمز، آبی و نارنجی، زرد و بنفش و همچنین استفاده از رنگ‌های هم‌خانواده و ایجاد هارمونی و تعادل رنگی در عکس، باعث افزایش جذابیت بصری خواهد شد (اپتن، ۱۳۸۹: ۴۷).

۳. بعد (فاصله)

ابن‌هیثم آن را فاصله بین سوژه و بیننده می‌داند و بر این باور است

کنیم، بخشی از سوژه که در حال حرکت است به صورت محو ثبت می‌شود و این حرکت محو در تصویر القا کننده حس حرکت است.

۱۲. وقار (سکون)

ابن هیثم معتقد است که وقار و سکون باعث ایجاد حس زیبایی می‌شود و مثالی در این خصوص بیان می‌دارد: برکه‌ای که در اثر عدم وزش باد، آب آن ساکن و راکد است و در اثر این سکون [است که] انعکاس در آب برکه ایجاد می‌شود. در عکاسی می‌توان سکون را در برابر حرکت دانست، در مواردی که سوژه در حال حرکت است، مانند اتومبیلی که با سرعت در حرکت است یا پرندهای که در حال پرواز است، با سرعت‌های بالای شاتر می‌توان آن سوژه را بدون حرکت^۶ کرد.

۱۳. زبری

از دیدگاه ابن هیثم زبری زیبایی‌آفرین است، مثالی که برای این مورد بیان می‌کند عبارت است از برخی فرش‌ها و لباس‌ها که بافتی زبر و درشت دارند. از نگاه وی این زبری زیبایی‌آفرین است. در عکاسی این مورد را می‌توان به دو صورت بیان کرد اول آنکه زبری را می‌توان در سوژه‌ها و اجسامی یافت که بافت سخت و سفتی دارند، مانند مسیرهای سنگلاخ و اجسام زمخت و یا عکاسی از زوایای تیز و تند. دوم آنکه آن را نیز می‌توان در مورد نورها بررسی و تحلیل کرد، نورهای پرکنتراست و نور مستقیم و اسنوت در استودیو و نیز نور خورشید با زاویه تابش مستقیم در روزهای غیر ابری می‌توانند جزو مصادیق این عامل باشند.

۱۴. ملایسه (نرمی)

مثالی که ابن هیثم در این باره بیان می‌کند ابزار صیقل خورده و لباس‌های نرم هستند. در عکاسی نرمی را می‌توان در موارد زیر جست‌وجو کرد. اول سوژه‌ها و اجسامی که بافت نرم و لطیفی دارند مانند تپه‌های رمل در کویر و یا آب‌های ساکن. دوم در مورد نورها نیز می‌توان آن را بیان کرد، مانند نورهای ملایم و کم‌کنتراست و پخش شده در استودیو، نیز نور خورشید در زمان طلایی. سوم با استفاده از سرعت‌های پایین شاتر و استفاده از فیلترهای کاهنده نور در روز و عکاسی از مواردی مانند حرکت ابرها و یا حرکت آب و آبشارها می‌توان حس نرمی را به مخاطب منتقل کرد.

۱۵. شفافیت (شفافیت)

مورد بعدی شفافیت یا درخشندگی است که ابن هیثم درخشندگی طلا و جواهرات را مثال می‌زند. در عکاسی می‌توان آن را همان شارپنس^۷ تعریف کرد، همچنین می‌توان آن را عکاسی از اجسام

اندازه‌ها در عکاسی به‌درستی مشخص نیستند، برای نشان دادن عظمت و بزرگی چیزی که در عکس‌ها وجود دارد می‌توان از یک شی‌ثانویه به عنوان مقیاس اندازه‌گیری استفاده کرد تا با در کنار هم قرار دادن این دو شی‌عظمت و بزرگی سوژه اصلی به‌درستی به مخاطب منتقل شود. در حقیقت با قرار دادن یک سوژه شناخته شده به عنوان مقیاس اندازه‌گیری در برابر سوژه اصلی، اندازه واقعی آن برای مخاطب قابل درک می‌شود.

۸. تفرق (پراکندگی)

از دیدگاه ابن هیثم عامل زیبایی‌آفرین بعدی پراکندگی است و مثالی که برای این عامل بیان می‌کند پراکندگی ستارگان در آسمان شب است و معتقد است آسمان شب به علت پراکندگی ستارگان در آسمان، زیباست. در عکاسی این عامل را می‌توان اینگونه تعریف کرد که سوژه‌ها به‌طور متعادل در سطح تصویر پراکنده شده‌اند به طوری که همه جای تصویر وزن یکسانی داشته باشد.

۹. اتصال (به هم پیوستگی)

ابن هیثم معتقد است که اتصال زیبایی‌آفرین است و این مورد را برعکس قبلی می‌داند، او بر این باور است که این موارد هیچکدام دیگری را نفی نمی‌کند و هرکدام در جای خود زیبایی‌آفرین هستند. در عکاسی می‌توان سوژه‌های جداگانه‌ای را در نظر گرفت که از اتصال آنها به یکدیگر یک بافت یکنواخت تشکیل می‌شود، مانند عکس تماشاچیان که در یک استادیوم در کنار هم نشسته‌اند یا انسان‌هایی که در یک راهپیمایی بزرگ شرکت می‌کنند، هنگامی که از آن صحنه عکاسی می‌شود دیگر فرد و نفر خاصی مشخص نیست و مجموع همه آنها باهم مطرح است که یک بافت را تشکیل داده‌اند، در مورد اشیاء هم همینطور است، این اتصال و ایجاد بافت در عکاسی می‌تواند زیبایی‌آفرین باشد.

۱۰. عدد

از نظر ابن هیثم اعداد زیبایی‌آفرین هستند. در عکاسی می‌توان این مورد را با قانون اعداد فرد در ارتباط دانست که در آن استفاده از سوژه‌هایی با تعداد فرد در تصویر به جای تعداد زوج جذابیت بصری بیشتر و ترکیب جالب‌تری ایجاد می‌کند.

۱۱. حرکت

از دیدگاه ابن هیثم حرکت زیبایی‌آفرین است. مثالی که او در این باره مطرح می‌کند رقص است و به نظر او حرکت رقصنده‌ها زیبایی‌آفرین است. در عکاسی با استفاده از سرعت‌های مختلف شاتر و با توجه به سرعت حرکت سوژه می‌توان حرکت را نشان داد، اگر سوژه در حال حرکت باشد و از سرعت‌های پایین شاتر استفاده

اشیایی که دارای ویژگی‌های مشابه‌ای از جمله شکل، بافت، رنگ و اندازه هستند به همراه یکدیگر دیده و خوانش می‌شوند. اشتراک‌گذاری ویژگی‌های مشترک در تصویر می‌تواند به انتقال حس یکپارچگی به بیننده کمک کند.

۲۰. اختلاف (تضاد)

ابن‌هیثم اختلاف اجزا مثلاً در حیوان یا انسان را برانگیزاننده حس زیبایی می‌داند. اختلاف یا تضاد در عکاسی را می‌توان در کنتراست، ماهیت سوژه‌ها، شکل، اندازه و در خیلی چیزهای دیگر جست‌وجو کرد و آنها را در مقابل یکدیگر نشان داد؛ وجود این تضادها در عکاسی زیبایی‌آفرین است.

۲۱ و ۲۲. ابن‌هیثم این دو مورد آخر را با هم توضیح می‌دهد. او تناسب را مهم‌ترین عامل ایجاد زیبایی می‌داند و هماهنگی بین اجزای سازنده را نیز انتلاف می‌داند. مثالی که او در این زمینه بیان می‌کند اینگونه است که اگر جزئیاتی مانند رنگ، وضع، شکل و اندازه در شیئی به صورت کاملاً یکسان وجود داشته باشد، ممکن است نه تنها باعث زیبایی نشود بلکه زشتی آفرین باشد. در عکاسی این دو مورد اخیر را می‌توان اینگونه تعریف کرد که عکاس در زمان ثبت عکس به کادربندی (ترکیب‌بندی) عکس توجه ویژه‌ای می‌کند و به جزئیات تصویر دقت می‌کند و عواملی همچون رنگ، وزن عکس، تعادل، تقارن، محل قرارگیری سوژه و به‌طورکلی هارمونی در عکس را در نظر می‌گیرد و با توجه به کلیه عواملی که ذکر شد و عوامل فنی دوربین از قبیل سرعت شاتر، دیافراگم و مقدار ایزو^{۱۱} اقدام به عکاسی می‌کند. همچنین عکاس می‌تواند از امکانات فنی دوربین و تکنیک‌های مختلف عکاسی مانند براکتینگ^{۱۲} برای عکاسی محدوده دینامیک بالا^{۱۳} یا انباشت فوکوس^{۱۴} استفاده کند.

کسرائیان با شناخت کامل نور و استفاده به موقع از آن اقدام به عکاسی کرده است. «تصویر ۱» که از مراسم مذهبی-سنتی پیر شالباز در کردستان به ثبت رسیده است، تابیدن پرتو نور از سمت بالا و آسمان تداعی‌کننده توجه خدا و به نوعی رمز و رازآلودگی است. اینگونه به نظر می‌آید که کسرائیان با تأکید بر پرتو نور سختی که از بالا تابیده شده، سعی بر آن داشته است تا به باورهای مذهبی اشاره کند. عکاس با استفاده از نوری که در فضای عکس موجود است، نوع پوشش فرد را که همان لباس کردی و به نوعی شناسنامه مکانی عکس است را نشان داده است، همچنین خود نور علاوه بر روشن کردن سوژه، به یک مؤلفه تصویری تبدیل شده و با وجود آن سوژه حجم و بُعد پیدا کرده است. نیز پرتو نوری به شکلی مثلث گون و مانند هاله‌ای مقدس از نور دورتادور سوژه را در بر گرفته و بر رازآلودگی این مراسم تأکید بیشتری کرده

صاف و شفاف مانند شیشه در نظر گرفت. نیز در عکاسی منظره و چشم‌انداز عمق میدان وضوح و استفاده از دیافراگم‌های بسته می‌تواند به شفافیت بیشتر تصویر کمک کند. شاخه عکاسی از زیورآلات، طلا و جواهرات در این طبقه‌بندی جای می‌گیرد.

۱۶. کدوری

مثالی که او در این مورد بیان می‌کند اینگونه است که اگر رنگ‌ها، نورها و اشکالی که در اشیا وجود دارند در زمینه کدر قرار نداشته باشند به‌درستی دیده نمی‌شوند. در عکاسی می‌توان آن را اینگونه تعریف کرد، اول عکاسی از اجسامی که نور را از خود عبور نمی‌دهند و مات و کدر هستند و یا نور را به میزان کمی عبور می‌دهند. دوم کنتراست در عکاسی، هم کنتراست نور و هم کنتراست رنگ. سوم می‌توان در نظر گرفت که یک شی مات در مقابل یک شی شفاف یا منبع نور قرار بگیرد که می‌توان این مورد را به عنوان تکنیک عکاسی ضدنور^{۱۵} در نظر گرفت.

۱۷. ظل (سایه)

مثالی که ابن‌هیثم در این خصوص بیان می‌کند عبارت است از اینکه گاهی در چهره افراد ایراداتی وجود دارد و در نور کم و سایه این ایرادات قابل رؤیت نیست و این عدم رؤیت باعث ایجاد زیبایی می‌شود. مثال دیگری که بیان می‌دارد این است که طیف رنگ‌هایی که در پر پرندگان است به واسطه شکست نور و سایه‌های ایجاد شده در آنها زیبایی‌آفرین است. مصداق این مورد را در عکاسی می‌توان اول در عکاسی پرتو استودیویی و در نورپردازی صورت سوژه دانست چراکه سایه‌ها به واسطه نور ایجاد می‌شوند و وجود این سایه‌ها باعث زیبایی و جذابیت عکس می‌شود. دوم گاهی اوقات سوژه اصلی عکس خود سایه است و عکس به واسطه وجود سایه‌های موجود، عکس کادربندی و تعریف می‌شود و سایه خود جزئی از داستان اصلی عکس است.

۱۸. تاریکی

ابن‌هیثم در این خصوص شب را مثال می‌زند و می‌گوید نور آتش و نور شمع در شب جلوه زیباتری دارند. بر اساس این تعریف و در عکاسی می‌توان شاخه عکاسی در نور کم^{۱۶} را در نظر گرفت، مانند عکاسی آسمان شب به همراه مناظر زمینی^{۱۷}، فضاهایی که به واسطه نورهای مصنوعی روشن شده‌اند نیز عکاسی مناظر شهری در شب.

۱۹. تشابه

عامل زیبایی‌آفرین بعدی تشابه است. در عکاسی یکی از ابزارهای قدرتمند ترکیب‌بندی نمایش تشابه سوژه‌هاست. بر این اساس

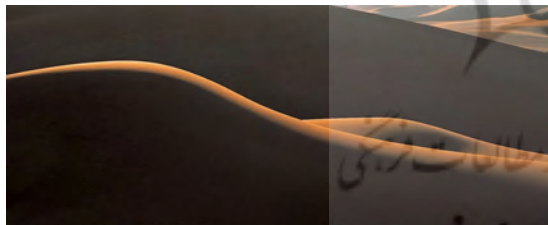
ماسه‌ها را طلایی و گرم کرده، همچنین به علت عدم وجود نور در قسمت‌های گودتر و ایجاد سایه در آن مناطق به آن حجم و بُعد بخشیده است. عکاس در زمان نور طلایی عکس را به ثبت رسانده است و رنگ نارنجی حاصل از تابش نور، به عکس حس گرما و عشق بخشیده است.

در «تصویر ۳» که عکاس آن را در کاخ آپادانا در مجموعه تخت جمشید به ثبت رسانده است، عکاس در شرایط نور کم عکس را ثبت کرده؛ زمانی که آخرین پرتوهای نور غروب در آسمان است، عکاس با ثبت این عکس به صورت سیلوئت و تأکید بر فرم و ایستایی ستون‌ها در صدد برقراری ارتباطی بین ابرهای آسمان، ستون‌ها و زمین بوده است و گویی ستون‌های کاخ آپادانا زمین را به آسمان متصل کرده‌اند. رنگ‌های قرمز، نارنجی و زرد موجود در آسمان که از نور خورشید سرچشمه می‌گیرند از جمله رنگ‌های گرم بوده و حس گرما و عشق را منتقل می‌کنند همچنین وجود رنگ‌های گرم در تصویر باعث گیرایی بیشتر عکس شده است.

در «تصویر ۴» که کسرا نیان آن را از کوچ عشایر گرفته است، عنصر نور نقشی اساسی در عکس ایفا می‌کند زاویه تابش نور در جهت حرکت چوپان و گله گوسفندانش است و گویی آنها به سمت نور و ابدیت می‌روند. وجود پرتوهای نور و ایجاد سایه‌های تیز در تصویر باعث شده است که فرد چوپان به خوبی دیده شود

و پرتوهای نوری که روی شانه‌های شخص افتاده، گویی بار یک مسئولیت معنوی را به دوش او گذاشته است. همچنین شعله نوری که از آتش زیر دیگ ساطع شده و در نقطه طلایی قرار گرفته است باعث تأکید و توجه بیشتر برای بیننده به دیگ موجود در عکس می‌شود و مخاطب متوجه پختن نذری در این مراسم می‌شود. رنگ آبی سردی که در تصویر وجود دارد، القاکننده حس آرامش است، با تماشای رنگ آبی ناخودآگاه آسمان را به یاد می‌آوریم و این یادآوری بر معنویت عکس می‌افزاید. همچنین [باید گفت که] رنگ آبی مرتبط با فضا، فاصله و آرامش است. ضمن آنکه این رنگ در تضاد با رنگ گرم شعله آتش زیر دیگ نیز است.

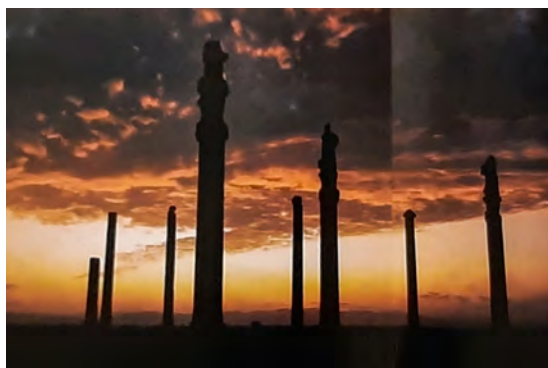
در «تصویر ۲» که در کویر صادق‌آباد نزدیک بافق یزد ثبت شده است. این تصویر به خوبی نقش اصلی عنصر نور در عکس را نشان می‌دهد، این عکس از دو قسمت مجزا تشکیل شده است. قسمت اول شامل کادر مثلثی شکل در گوشه سمت راست و بالای عکس که به نوعی شناسنامه عکس است و نشان می‌دهد این عکس در کویر ثبت شده است و قسمت دوم یک خط نوری در طول عکس است و سوژه اصلی عکس همین خط نور می‌باشد. این خط نور به عکس یک فرم بخشیده و توجه مخاطب را به خود جلب می‌کند. وجود عنصر نور سخت در این عکس به آن معنا داده و نور به واسطه زاویه تابش و کیفیتی که داشته است رنگ



تصویر ۲. کویر صادق‌آباد (۱۳۸۸). عکس از نصرالله کسرا نیان؛ از کتاب سرگذشت یک زندگی.



تصویر ۱. پختن آتش در مراسم پیر شالیار، عکس از نصرالله کسرا نیان؛ از کتاب کردهای ایران.



تصویر ۳. کاخ آپادانا، تخت جمشید، عکس از نصرالله کسرا نیان؛ از کتاب تخت جمشید.

تحلیل زیبایی‌شناسانه عکس‌های نصرالله کسرائیان بر اساس دو مولفه نور و رنگ در آراء ابن‌هیثم ■ حمیدرضا اسماعیل، هادی آذری ازغندی، مرجانه سوزنکار ■ صفحه ۱۵۹-۱۷۱

تصویر هستند. ضمن آنکه عکاس با استفاده از این سایه‌ها اقدام به کادربندی قطری نموده است. رنگ زرد- نارنجی سمت چپ و رنگ نارنجی-قهوه‌ای سمت راست کادر باعث ایجاد حس گرما و پویایی بیشتر در عکس شده است و حس حرکت افراد را علی‌رغم استفاده از سرعت بالای شاتر توسط عکاس القا می‌کند.

در «تصویر ۶» که بخشی از یک اسکله متروکه در جزیره قشم است، کسرائیان کادربندی عکس خود را بر اساس رنگ‌ها انجام داده است و با توجه به تضاد بین رنگ‌های گرم و سرد اقدام به عکاسی کرده است. رنگ آبی آسمان در مقابل رنگ نارنجی بدنه اسکله، عکاس با استفاده از این دو رنگ کاملاً متضاد در کنار هم باعث درخشش بیشتر هر دوی آنها شده است. رنگ نارنجی به خودی خود بسیار جذاب است و به کمک آن درخشش رنگ آبی آسمان نیز به بالاترین حد خود رسیده است. درست است که این دو رنگ با هم کنتراست دارند، اما در اصول رنگ‌ها و دایره رنگ‌ها تکمیل‌کننده هم هستند و در کنار هم فضا را به تعادل می‌رسانند. از طرفی تلفیق رنگ‌های هم‌خانواده در کنار هم حس

و در مرکز دید و توجه بیننده قرار بگیرد، همچنین این پرتو نور باعث ایجاد ترکیب‌بندی قطری در عکس شده است و جذابیت بصری بیشتری ایجاد کرده است. تابیدن نور به آخرین گوسفند در قسمت پایین و سمت راست کادر باعث شده تا ماهیت گله‌ای که چوپان آن را هدایت می‌کند کاملاً مشخص باشد چراکه در قسمت بالایی کادر به علت تراکم و درهم تنیدگی بسیار زیاد گله، ماهیت آنها به درستی مشخص نیست. ترکیب دو رنگ زرد و سبز در کنار یکدیگر باعث ایجاد یک هارمونی شده است. اگرچه شاید بیننده متوجه این ترکیب نشود اما تصویر در نظر او دارای جذابیت بالایی خواهد بود.

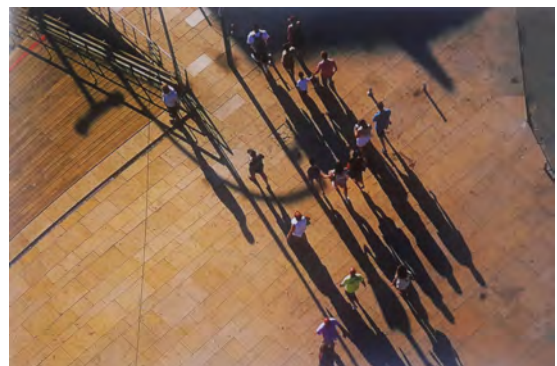
در «تصویر ۵» که کسرائیان آن را در شهر پورتو کشور پرتغال به ثبت رسانده است. عکاس با توجه به زاویه تابش نور، از بالا اقدام به عکاسی کرده است. در این عکس بیشتر از آنکه در نگاه اول افراد دیده شوند، سایه‌های آنها جلب توجه می‌کند و نقش سایه‌ها در این عکس در درجه اول و بسیار پررنگ است و سوژه اصلی نور و سایه است و سوژه ثانویه افراد حاضر در



تصویر ۶. اسکله متروکه قشم، عکس از نصرالله کسرائیان؛ از کتاب برگزیده.



تصویر ۴. کوچ عشایر ایل قشقایی، عکس از نصرالله کسرائیان، از کتاب سرزمین ما / ایران.



تصویر ۵. پورتو پرتغال، عکس از نصرالله کسرائیان؛ از کتاب گزارش یک زندگی.

قرمز رنگ، خانمی که در نقطه طلایی کادر قرار دارد هم در این گیرایی بی تأثیر نیست. در پیش زمینه کادر ترکیب رنگ قرمز نخ‌ها و رنگ خاکستری خاک که رنگی خنثی است، باعث شده است که تمرکز بیشتر بیننده بر روی نخ‌ها باشد و حرکت نگاه بیننده به عمق تصویر به درستی انجام شود. نور یکدست تصویر حس آرامش، زنی که در عکس هست و لطافت نخ‌ها را بیشتر نمایش می‌دهد. در «تصویر ۹» که عکاس آن را از پل خاجو در اصفهان ثبت کرده است. عکس به صورت تک‌رنگ (مونوکروم) ثبت شده است، عکس با طیف‌های مختلف رنگ نارنجی به ثبت رسیده است. عکاس با استفاده از یک رنگ گرم غالب (نارنجی) که منبع اصلی آن در آسمان است و انعکاس این نور که در آب رودخانه افتاده و نیز هماهنگی بین رنگ آجرهای پل و نورپردازی توسط چراغ‌های خود پل در شب، موفق شده تا یک عکس مونوکروم به ثبت رسانده و با استفاده از همین ویژگی تمرکز بر کنتراست‌ها، نورپردازی، فرم، بافت و تأکید بر جزئیات را در نگاه مخاطب بیشتر کرده است. همچنین با توجه به قدمت و بافت تاریخی پل



تصویر ۸. خشک کردن پشم‌های رنگ شده برای فرش بافی، عکس از نصرالله کسرائیان؛ از کتاب گزارش یک زندگی.

هیجان و حس آرامش را القا می‌کند، رنگ زرد پایین اسکله در کنار رنگ‌های نارنجی و قهوه‌ای مایل به قرمز حال و هوایی تابستانه و پر نور دارد و حس هوای گرم ساحل جنوب را برای بیننده تداعی می‌کند. ترکیب رنگ‌های سرد و رنگ‌های گرم در کنار یکدیگر در این تصویر باعث ایجاد جذابیت بصری در عکس شده است. او با استفاده از نوری یکدست و نرم بر ایجاد حس آرامش بیشتر در عکس تأکید کرده است.

در «تصویر ۷» که در نزدیکی جاسک، در استان هرمزگان ثبت شده است. عکاس با قرار دادن دو خانم در پیش زمینه اول عکس با لباس‌های رنگارنگ و در پس زمینه‌ای خاکستری، کاملاً خنثی و بدون رنگ کاملاً توجه مخاطب را به سوژه اصلی عکس جلب کرده است. در این تصویر لکه‌های رنگی که در سوژه به صورت جداگانه وجود دارند نیز جلب توجه می‌کنند از جمله نقاب‌های قرمز رنگ روی صورت دو خانم که بر روی روسری‌های مشکی رنگ نصب شده است. همچنین دمپایی نارنجی رنگ نفری که در جلوی چوب‌ها ایستاده، باعث می‌شود چوب‌هایی که جمع‌آوری کرده‌اند در ادامه نگاه بیننده دیده شوند. با دقت بیشتر در عکس بوته‌های سبز پررنگی که به صورت پراکنده در پس زمینه وجود دارند نیز دیده می‌شوند که آنها نیز با رنگ‌های گرم لباس سوژه به نوعی مکمل می‌باشند و باعث زیبایی بیشتر عکس شده‌اند. عکاس در این عکس نیز از نوری نرم استفاده کرده است چراکه هیچ سایه‌ای در عکس دیده نمی‌شود. نور پیش زمینه و پس زمینه تصویر یکسان است و توجه مخاطب معطوف سوژه اصلی عکس می‌شود. ضمن آنکه انتخاب نور مناسب در این عکس باعث شده است که رنگ‌ها به درستی ثبت شوند.

در «تصویر ۸» که در جرگلان استان خراسان به ثبت رسیده است عکاس با در نظر گرفتن رنگ‌های مکمل در دایره رنگ‌ها اقدام به عکاسی کرده است. حرکت چشم مخاطب از روی نخ‌های قرمز پیش زمینه و رسیدن آن به رنگ سبزی که در پس زمینه تصویر وجود دارد باعث گیرایی بیشتر عکس شده است ضمن آنکه لباس



تصویر ۷. گردآوری چوب برای سوخت توسط زنان بلوچ، عکس از نصرالله کسرائیان؛ از کتاب گزارش یک زندگی.

تحلیل زیبایی‌شناسانه عکس‌های نصرالله کسرائیان بر اساس دو مؤلفه نور و رنگ در آراء ابن‌هیثم ■ حمیدرضا اسماعیل، هادی آذری ازغندی، مرجانه سوزنکار ■ صفحه ۱۵۹-۱۷۱

ابن‌هیثم به رغم گذشت بیش از ۸۰۰ سال بود، همچنان پیدا کردن ارتباطی بین عوامل جزئیه بیست‌ودوگانه زیبایی‌شناسی و مصداق آنها در رشته عکاسی دغدغه دیگری برای نگارش این پژوهش بود. در پاسخ به پرسش چگونه می‌توان با استفاده از نظریه زیبایی‌شناسی ابن‌هیثم عکس‌های کسرائیان را تحلیل کرد؟ باید گفت همان‌طور که پیش‌تر بررسی شد، برای هر کدام از عوامل جزئیه زیبایی‌شناسی این پژوهش توانست مصداقی عکاسانه پیدا کند و با استفاده از دو مؤلفه نور و رنگ به تحلیل عکس‌های کسرائیان پرداخت. در ادامه به این پرسش که «به رغم گذشت بیش از ۸۰۰ سال از نظریه ابن‌هیثم، این نظریه امروزه چگونه می‌تواند در عکاسی کاربرد داشته باشد؟» اینگونه پاسخ داده شد که مبحث زیبایی‌شناسی از دیرباز تاکنون مورد توجه و بحث بین فلاسفه، هنرمندان و حتی مردم عادی بوده است. به دلیل وجود علایق و سلیقه‌های مختلف در مورد آن نمی‌توان حکمی قطعی صادر کرد. چراکه معنا و مفهوم زیبایی کاملاً نسبی است و ممکن است از یک ملیت و فرهنگ به ملیت و فرهنگ دیگر تعریفی متفاوت داشته باشد. با توجه به این موضوع می‌توان زیبایی‌شناسی ابن‌هیثم در عکاسی را اینگونه تعریف کرد که به ازای دو مؤلفه نور و رنگ که ابن‌هیثم برای زیبایی‌شناسی عنوان کرده است مصداقی در عکاسی وجود دارد که استفاده درست و بجا از آن مصادیق و تکنیک‌های عکاسی باعث می‌شود که عکس زیباتر جلوه کند. امید است که پژوهشگران در پژوهش‌های آتی از نظریات اندیشمندان ایرانی و مسلمان بیشتر بهره بگیرند.

خاجو حس نوستالژی بیشتری به بیننده القا می‌شود. کسرائیان عکس را کمی پس از غروب یا لحظاتی قبل از طلوع خورشید به ثبت رسانده است. ترکیب نور یکدست و نرم آسمان و نور سخت چراغ‌های پل و انعکاسشان در آب به زیبایی بیشتر عکس کمک کرده است.

در «تصویر ۱۰» که کسرائیان از عشایر قشقایی ثبت کرده است عنصر رنگ بسیار حائز اهمیت است چراکه در تمام قسمت‌های تصویر رنگ‌ها پراکنده هستند، وجود گلوله‌های کاموایی که در قسمت پیش‌زمینه کادر هستند و تنوع رنگی بالایی دارند توجه مخاطب را به فعالیت فرش‌بافی بیشتر جلب می‌کند، رنگ‌های پیش‌زمینه و پس‌زمینه در عکس با یکدیگر هارمونی برقرار کرده‌اند. عکاس در زمان گرفتن عکس به عناصر رنگی در کادر بسیار توجه کرده و سعی کرده است که با ایجاد تعادل رنگی که بین سوژه‌ها در کادر برقرار کرده، وزن عکس را از لحاظ رنگی کاملاً متعادل کند، با این کار علاوه بر ایجاد زیبایی و جذابیت بصری از یکنواختی تصویر نیز جلوگیری کرده است. نور نرم و یکدست موجود در تصویر لطافت و نرمی توپ‌های نخ‌کشی که با آن فرش می‌بافند را تشدید کرده است.

نتیجه‌گیری

دغدغه‌ای که باعث نگارش این پژوهش شد، پیدا کردن ارتباطی بین نظریات یک فیلسوف ایرانی، مقوله زیبایی و رشته عکاسی است و مسیر پژوهش نیز بر همین اساس پایه‌گذاری شد. دلیل دیگر پیدا کردن راهی برای تحلیل عکس‌ها با استفاده از نظریه زیبایی‌شناسی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



تصویر ۱۰، گلیم‌بافی عشایر قشقایی فارس، عکس از نصرالله کسرائیان؛ از کتاب سرزمین ما / ایران.



تصویر ۹، پل خاجو، اصفهان، عکس از نصرالله کسرائیان؛ از کتاب اصفهان.

پی‌نوشت‌ها

- | | | |
|----------------|-------------------------|--|
| 1. Esthetique | 2. Aesthesis | 3. Baumgarten (1762-1714)
۳۵۴ ق (۹۶۵ م) - ۴۳۲ ق (۱۰۳۹ م). |
| 5. Photography | 9. Lowlight Photography | 13. HDR (High Dynamic Range) |
| 6. Freeze | 10. Nightscape | 14. Focus stacking |
| 7. Sharpness | 11. ISO. | |
| 8. Silhouette | 12. Bracketing | |

فهرست منابع

- احمدی، بابک (۱۳۸۶)، *حقیقت و زیبایی: درس‌های فلسفه هنر*، تهران: مرکز.
- ایتن، جوهانز (۱۳۸۹)، *کتاب رنگ*، ترجمه محمد حسین حلیمی، تهران: ارشاد.
- بلخاری قهی، حسن (۱۳۹۸)، *معنا و مفهوم زیبایی در المناظر و تنقیح المناظر*، تهران: فرهنگستان هنر.
- پورذبیح، فاطمه (۱۳۹۸)، *زیبایی‌شناسی آثار نقاشی و نسان ونگوگ با رویکرد به نظریه ادراک زیبایی ابن هیثم، پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، دانشگاه مازندران، دانشکده هنر و معماری، استاد راهنما: محمد اعظم‌زاده، استاد مشاور: همایون حاج محمد حسینی.
- تولستوی، لئون (۱۳۸۷)، *هنر چیست*، ترجمه کاوه دهقان، تهران: امیرکبیر.
- داندیس، دونیس ا، (۱۳۸۸)، *مبادی سواد بصری*، ترجمه نسیم منوچهر آبادی، تهران: بازتاب اندیشه.
- دلفانی ارکسی، پروانه (۱۳۹۸)، *مقایسه قواعد بصری حاکم بر طراحی در نگارگری ایرانی - اسلامی با نظریه ابصار ابن هیثم، رساله دکتری تخصصی*، دانشگاه هنر تهران، دانشکده علوم نظری و مطالعات عالی هنر، استاد راهنما: اسماعیل بنی اردلان استادان مشاور: ایرج داداشی و امیر مازیار.
- سوانه، پیر (۱۴۰۱)، *مبانی زیبایی‌شناسی*، ترجمه محمد رضا ابوالقاسمی، تهران: ماهی.
- شبانی داریانی، زهره (۱۳۹۷)، *تحلیل زیبایی در کتاب المناظر ابن هیثم، پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، دانشگاه هنر تهران، دانشکده علوم نظری و مطالعات عالی هنر، استاد راهنما: امیر مازیار.
- شیرازی، صدرالدین (ملاصدرا) (۱۳۸۰)، *المبدأ و المعاد*، ترجمه و تصحیح سید جلال‌الدین آشتیانی، قم: بوستان کتاب.
- صحتی، بهزاد و اسدی، مهیار (۱۴۰۲)، *تطبیق نظریه زیبایی‌شناسی نور از منظر ابن هیثم با اصول زیبایی‌شناسی عکاسی مدرن*، رهپویه حکمت هنر، ۲(۱)، ۱۳۳-۱۴۶. doi: 10.22034/rph.2023.2000405.1034
- طباطبایی، صالح (۱۳۷۸)، *ابن هیثم فیزیک‌دان اسلامی*، تهران: نشر روزنه.
- کسرائیان، نصرالله (۱۳۷۱)، *اصفهان*، تهران: مهر وستا.
- کسرائیان، نصرالله (۱۳۸۴)، *برکناره*، تهران: فرایند گویا.
- کسرائیان، نصرالله (۱۳۹۴)، *سرگذشت یک زندگی*، تهران: آگاه.
- کسرائیان، نصرالله و بهار، مهرداد (۱۳۷۲)، *تخت جمشید*، تهران: مهر وستا.
- کسرائیان، نصرالله و عرشی، زیبا (۱۳۷۲)، *کردهای ایران*، تهران: مهر وستا.
- کسرائیان، نصرالله و عرشی، زیبا (۱۳۹۱)، *سرزمین ما ایران*، تهران: مهر وستا.
- کشمیری، مریم (۱۳۹۷)، *شیوه‌های دیدن و ادراک بصری در نگارگری ایرانی و علم مناظر بر پایه نگاره‌های سده‌های ۷-۱۰ ه.ق/ ۱۳-۱۶ م. و آرای ابن هیثم، رساله دکتری تخصصی*، دانشگاه الزهراء، استاد راهنما: زهرا رهبرنیا.
- هاشم‌نژاد، حسین (۱۳۹۷)، *زیبایی‌شناسی در آثار ابن‌سینا*، شیخ اشراق و صدرالمتهین، تهران: سمت.



Aesthetic Analysis of Nasrullah Kasraian's Photos Based on the Two Components of Light and Color in Ibn Al-Haytham's Views

Hamidreza Esmaeil¹, Hadi Azari Azghandi², Marjaneh Sozenkar³

Type of article: original research

Receive: 3 - 3 - 2025, Accept Date: 6-5-2025

DOI: 10.22034/RPH.2025.2054906.1116

Extended abstract

Aesthetics is a branch of philosophy that studies beauty and artistic taste. Aesthetic judgments are typically sensory and emotional. The philosophy of art is a sub-branch of aesthetics that focuses specifically on the nature of art. It explores the essence of art, its various forms, and the concepts and meanings associated with it. Generally, aesthetic judgments are about what one finds appealing or not, and artistic theories aim to understand and evaluate artistic creations.

Aesthetics is not merely about beauty; it also encompasses concepts like sublimity, ugliness, elegance, and taste. The appreciation of art involves contemplation, reflection, and the emotional and intellectual engagement one has with an artwork. These experiences are deeply personal and influenced by individual sensibilities, cultural backgrounds, and personal histories. We believe that aesthetic phenomena, like all sensory perceptions and actions, follow certain universal principles. The science of aesthetics, which seeks to understand these principles, has always been of interest to philosophers and art theorists.

Historically, artists in various artistic fields have always intuitively paid attention to aesthetic principles and strived to create works that exhibit aesthetic appeal. This pursuit of aesthetic excellence is evident across different art forms, including painting, sculpture, music, and literature. Even in seemingly technical fields like photography, aesthetic considerations are paramount. Establishing consistent aesthetic criteria for photography has been a challenging task, and many photographers initially approached photography with painting's aesthetic standards in mind. This research aims

1. MA in Photography, Faculty of Arts, Soore International University, Tehran, Iran.

Email: hamidreza.esmail63@gmail.com

2. Assistant Professor, Department of Visual Arts, Faculty of Visual Arts, College of Fine Arts, University of Tehran, Tehran, Iran.

Email: hadiazari@ut.ac.ir

3. PhD of Philosophy of Art, University of Science, Research and Technology, Azad University, Tehran, Iran.

Email: M.souzankar@soore.ac.ir

to explore the relationship between photography and aesthetic theories, particularly in the context of the camera's unique capabilities and the resulting visual experiences.

Abu Ali Muhammad ibn al-Hasan Ibn al-Haytham, often referred to as Ibn al-Haytham, was a prominent figure in the field of optics. He was a physicist, mathematician, astronomer, and philosopher. This renowned Muslim scholar of Iranian descent was born in Basra in 354 AH (965 AD) and passed away in Cairo in 430 AH (1038 AD).

He has numerous theories and articles in the field of optics, and he is known as the founder of modern optics. From his perspective, beauty is perceived through the form of visible objects, which are composed of multiple meanings. According to him, this process of visual perception occurs when the eye perceives light and its various properties. However, for us, the perception of these visible meanings (which are initially received by the sense of sight through the perception of color and light) is completed by the imagination, which draws upon stored visual data and integrates it with apparent sensory information. This integration results in a mental image that corresponds to the perceived reality. One of the key aspects of this process is how these meanings are perceived by the sense of sight and then understood in the mind. He explains the quality of this perception and lists 22 factors that contribute to it, including 1. Light 2. Color 3. Distance 4. Position 5. Shape 6. Size 7. Arrangement 8. Connection 9. Separation 10. Texture 11. Movement 12. Stillness 13. Smoothness 14. Roughness 15. Transparency 16. Opacity 17. Shadow 18. Illumination 19. Similarity 20. Difference 21. Proportion 22. Harmony.

He delves into the description and interpretation of each of the mentioned factors and believes that these twenty-two factors sometimes act individually and sometimes in combination to evoke aesthetic feelings in the viewer.

Nasrollah Kasraian was born in 1943 in the city of Abadan, Iran. Over nearly fifty years of photography, he has published thirty books. Although his role in Iranian photography and his influence have always been significant, he has consistently focused on the people and their lives. Kasraian has always portrayed the lives of Iranians in his work. His life and photography have been dedicated to depicting the struggles and changes in the world. He has had a profound and lasting impact on contemporary Iranian photography and can be considered one of the most important figures in shaping the national identity of modern Iranians.

This research aims to answer the fundamental question of how the photographs of Nasrollah Kasraian can be analyzed based on Ibn al-Haytham's aesthetic theory.

The findings of this qualitative and descriptive-analytical research indicate that Ibn al-Haytham's aesthetic theory, with its emphasis on twenty-two factors, structures, rules, and principles of photography derived from the

visual arts, provides a comprehensive framework for analyzing photographs. Furthermore, by utilizing the elements of light and color and the twenty-two factors of Ibn al-Haytham's aesthetic theory, the photographs of Nasrollah Kasraian have been analyzed.

Ibn al-Haytham considers eight conditions to be necessary for visual perception to occur, and he believes that without these conditions, visual perception will not be achieved. These eight conditions are: 1. The health of the eye, 2. The presence of light, 3. The appropriate distance between the eye and the visible object, 4. The placement of a visible object within the field of vision, 5. The absence of opacity between the eye and the visible object, 6. The transparency of the intervening medium between the eye and the visible object, 7. The appropriate size of the visible object, and 8. Sufficient coloring and texture of the visible object. Ibn al-Haytham considers these eight conditions to be prerequisites and the primary basis for the discussion of aesthetics.

Light: Ibn al-Haytham introduces light as the primary factor in visual beauty and believes that it is the sole factor that evokes aesthetic feelings in humans. In other words, he believes that luminous objects are the origin of aesthetic beauty. In photography, lighting is the most crucial element and the most important visual tool, whether it is natural or artificial light. Through lighting, one can define different moods for a subject. The selection of the type of light and how it falls on the subject can create different feelings and highlight various features within the subject, adding depth and transforming a two-dimensional image into a three-dimensional one. Sometimes, changing the light completely alters the meaning of a photograph and can turn one image into a completely different one, potentially with vastly different meanings.

Color: It is the second of the twenty-two aesthetic factors. From Ibn al-Haytham's perspective, the combination of different colors and sometimes a single color alone can evoke beauty and visual pleasure in humans. He considers color to be inherent in the life of humans and also present in nature, and he believes that being colorful or having color evokes the sense of beauty in humans.

Color is one of the most important and influential elements in photography compared to other elements. Its surprising and diverse impact on the emotions and interests of the audience led to a new phase in the realm of photography with the introduction of color. Color also adds meaning to the photograph and sometimes changes its meaning and concept, to the extent that sometimes the composition of the photograph is done based on the color element. Colors in photography are one of the most important tools for expressing emotions.

In the picture of cooking Ash (a type of Iranian thick soup) during the Pir Shaliar ceremony, published in Kasraian's Kurdistan book in 1993, the

emphasis on the light emanating from above evokes a sense of the divine and the sacred. Kasraian, by accentuating the upward-shining light, seems to have sought to transform this photograph into a kind of continuous religious belief, and despite the volume and depth of the subject, the upward-shining light has been shaped like a halo, emphasizing the sacredness and spirituality of the subject. The cool blue color used in the image conveys a sense of serenity and peace to the viewer, reminding us of the vastness and tranquility of the sky. Furthermore, this blue color is in contrast with the warm red color of the flame.

The claim that prompted this research is the finding of a communicative link between the views of an Iranian philosopher, Ibn al-Haytham, and the field of photography. The research path was also based on this fundamental question: How can Kasraian's photographs be analyzed using Ibn al-Haytham's aesthetic theory? It must be said that this research, by examining each of the aesthetic factors, was able to find photographic examples. The research also analyzed Kasraian's photographs by employing the components of light and color.

Keywords: Aesthetics, Ibn al-Haytham, Nasrullah Kasraian, Light, Color



This journal is following of Committee on Publication Ethics (COPE) and complies with the highest ethical standards in accordance with ethical laws



COPYRIGHTS | Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the *Rahpooye Hekmat-e Honar* Journal. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution Licenses. (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>)